

نقش و جایگاه جایگاه شیخ هادی نجم‌آبادی در تکوین جنبش مشروطیت ایران

داریوش رحمانیان^۱

سید مقداد نبوی رضوی^۲

چکیده: در این مقاله، تأثیر شیخ هادی نجم‌آبادی در برپایی نظام مشروطیت در ایران، بررسی شده است. وی، پیش از وقوع حوادث مشروطه‌خواهی درگذشت؛ اما کسانی که محضرش را درک کرده بودند، با بهره‌گیری از آموزه‌هایش، تکاپوهایی بنیادین در آن حرکت مهم تاریخی انجام دادند. سهم شیخ هادی نجم‌آبادی در انقلاب مشروطیت ایران با شناخت آنان معنا پیدا می‌کند.

واژه‌های کلیدی: شیخ هادی نجم‌آبادی، جنبش مشروطیت ایران، تکاپوگران مشروطه‌خواه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱ استادیار گروه تاریخ دانشگاه تهران rahmanian@ut.ac.ir

۲ کارشناس ارشد تاریخ دانشگاه شهید بهشتی M.nabavi@mail.sbu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۱/۵/۳۱، تاریخ تأیید: ۹۲/۲/۷

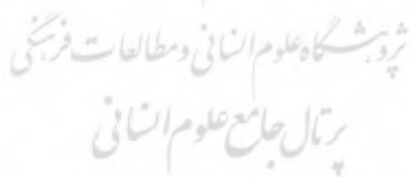
The Role of Sheikh Hadi Najmabadi in Creation the Iranian Constitutional Movement

Dariush Rahmanian¹

Seyyed Meqdad Nabavi Razavi²

Abstract: The role of Sheikh Hadi Najmabadi in creation of the constitutional system of Iran is shown in this paper. He died before Constitutional Movement but some of persons, who had attended his gatherings and learnt his doctrine, had basic activities in that important historical event, by using of his teachings. His role in the constitutional system of Iran is meant by knowing them.

Keywords: Sheikh Hadi Najmabadi, Constitutional Movement of Iran, Constitutionalist Activists



1 Assistant Professor of History Department in Tehran University, rahmanian@ut.ac.ir

2 Senior Expert of History, Shahid Beheshti University M.nabavi@mail.sbu.ac.ir

مقدمه

شیخ هادی نجم‌آبادی، یکی از مجتهدان مشهور تهران در دوران پادشاهی ناصرالدین‌شاه و مظفرالدین‌شاه قاجار بوده است. وی را باید یکی از تأثیرگذاران مهم تاریخ معاصر ایران دانست که هم در زمینه فکر تجددخواهی، و هم در مسائل سیاسی ایران، اثرآفرین بوده است. افکار و اندیشه‌های شیخ را در کتاب *تحریر العقلاء* می‌توان جست. تکاپوهای سیاسی او نیز خود پژوهشی ژرف نیازمند است.

یکی از زمینه‌های نقش‌آفرینی سیاسی شیخ هادی نجم‌آبادی، تربیت کسانی است که در نهضت مشروطیت ایران دخالت داشتند. در پژوهش‌های انجام‌شده درباره مشروطیت، دیدگاه‌هایی کلی اما راهگشا درباره تکاپوهای سیاسی شیخ مطرح شده، اما تا آنجا که راقم این سطور اطلاع دارد، تلاشی منظم برای بررسی فعالیت‌های او صورت نگرفته است. این پژوهش بر آن است تا با شناساندن برخی کسانی که با شدت و ضعف تحت تأثیر اندیشه‌های شیخ قرار داشته و در برپایی نظام مشروطه ایران سهیم بوده‌اند، شناختی دقیق‌تر از جایگاه شیخ هادی نجم‌آبادی در تکوین جنبش مشروطیت ایران، به دست دهد.

نگاهی گذرا به تکاپوهای سیاسی شیخ هادی نجم‌آبادی

شیخ هادی نجم‌آبادی، با برخی از مهم‌ترین مخالفان حکومت ناصری هم‌مسیر بود. در دو برهه‌ای که سید جمال‌الدین اسدآبادی به ایران آمد، شیخ از یاری‌رسانی به او دریغ نداشت.^۱ وی را نزدیک‌ترین روحانی ساکن ایران به سید جمال‌الدین دانسته‌اند.^۲ هنگام آغاز فعالیت‌های اتحاد اسلام سید جمال‌الدین در اسلامبول هم، شیخ در میان برجستگان یاران وی در ایران بود.^۳ نامه‌هایی که یاران سید جمال‌الدین، همچون میرزا آقاخان کرمانی و شیخ احمد روحی، برای شیخ هادی نجم‌آبادی می‌فرستادند، گاه از چنان حساسیتی برخوردار بود که در صورت کشف،

۱ محمد ناظم‌الاسلام کرمانی (۱۳۶۲)، *تاریخ بیداری ایرانیان*، به کوشش علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، تهران: نشر آگاه و نوین، مقدمه، ص ۸۲.

۲ اسماعیل رائین (۱۳۵۹)، *فراموشخانه و فراماسونری در ایران*، ج ۱، تهران: انتشارات امیرکبیر، ص ۳۹۱. مرتضی مدرس‌سی چهاردهی، داستانی از ارتباط شیخ با سید جمال‌الدین آورده است (مرتضی مدرس‌سی چهاردهی (۱۳۸۱)، *سید جمال‌الدین و اندیشه‌های او*، تهران: انتشارات امیرکبیر، ص ۱۱۳).

۳ یحیی دولت‌آبادی (۱۳۶۲)، *حیات یحیی*، ج ۱، تهران: انتشارات فردوسی و عطار، ص ۱۲۴.

کشته‌شدن نامهرسان را در پی داشت.^۱ زمانی که میرزا رضا کرمانی برای کشتن ناصرالدین شاه قاجار آماده می‌شد، مشورت با شیخ را از یاد نبرد. البته شیخ او را نه نهی کرد و نه تأیید.^۲

شیخ هادی نجم‌آبادی، در مسیر سیاست، با میرزا ملکم‌خان نیز همراه بود. یکی از معاصران او، نامش را در میان اعضای گروه ملکم‌خان آورده است.^۳ فریدون آدمیت هم که به سبب نزدیکی پدرش با ملکم‌خان، آگاهی‌های زیادی دربارهٔ تکاپوهای او داشت، شیخ را در میان اعضای فراموشخانه^۴ نام برده است.^۵ محمود عرفان - که در نهاد فراماسونری عصر پهلوی حضور داشت - نام شیخ را در میان بیست و دو نفر از «افراد قدیم و پیشکسوت این فرقه در طهران» آورده است.^۶

دربارهٔ شیخ، گفته شده است که «افکار آزادی وی، با وضع روز تطبیق نمی‌کرد. از این رو، وی همیشه از حکومت مطلقه اظهار نفرت می‌کرد، و در خیال حکومتی به طرز جمهوری بود».^۷

جایگاه شیخ هادی نجم‌آبادی در تکوین جنبش مشروطیت ایران

در متون تاریخی مربوط به جنبش مشروطیت ایران، توصیف‌هایی وجود دارد که از سهم شیخ هادی نجم‌آبادی در آن رویداد حکایت می‌کند. مهدی ملک‌زاده «اکثر روشنفکران دورهٔ

۱ عبدالحسین صنعتی‌زاده، در این زمینه، حکایتی را از پدرش، حاج علی‌اکبر صنعتی کرمانی، که حامل نامه‌ای این چنین بود، آورده است (صنعتی‌زاده کرمانی (۱۳۴۶)، روزگاری که گذشت، تهران: آبی‌نا، صص ۴۳ و ۴۴).

۲ گفتار افسانهٔ نجم‌آبادی، مندرج در کتاب:

Zohreh Sullivan (2001), *Exiled Memories: Stories of Iranian Diaspora*, Philadelphia: Temple University Press, p. 70.

۳ هاشم محیط مافی (۱۳۶۳)، *مقدمت مشروطیت*، به کوشش مجید تفرشی و جواد جانفدا، تهران: انتشارات فردوسی، صص ۵۱ و ۵۲.

۴ با توجه به گزارش حاج میر یحیی دولت‌آبادی، میرزا ملکم‌خان در دورهٔ که سفارت ایران در لندن را برعهده داشت به تهران آمد و «مجمع سری تشکیل داده به نام فراموشخانه». نک: یحیی دولت‌آبادی، همان، ج ۱، صص ۴۶-۴۷. با توجه به این گفتار دانسته می‌شود که تشکیلات فراموشخانه در سال‌هایی پس از زمان تعطیلی مشهور آن (۱۲۷۸ق) به فعالیت خود ادامه داده است. با این توضیح شیخ هادی نجم‌آبادی را باید عضو فراموشخانه دانست. چرا که در زمان فراموشخانهٔ اول حدود سال‌های (۱۲۷۵-۱۲۷۷ق) وی در نجف بود.

۵ فریدون آدمیت (۱۳۴۰)، *فکر آزادی و مقدمهٔ نهضت مشروطیت ایران*، تهران: انتشارات سخن، صص ۲۰۱ و ۲۰۲.

۶ محمود عرفان (۱۳۲۸)، «فراماسون‌ها»، *مجلهٔ نیما*، ش ۱۱، ص ۵۴۸.

۷ محسن نجم‌آبادی (۱۳۵۲)، *تقریرات آقا شیخ محسن نجم‌آبادی دربارهٔ تأسیس کمیته‌های سری مخصوصاً «بین الطولوعین»*، اسماعیل رائین، حیدرخان عموآوغلی، تهران: مؤسسهٔ تحقیقات رائین و جاویدان، ص ۴۴.

ناصری» را «تربیت‌یافتگان دبستان این روحانی بزرگ» دانسته است. وی سپس از درگذشت شیخ در پیش از مشروطیت تأسف خورده و نوشته است: «عمرش کفاف نداد که میوه زحماتش را بچیند، و کامش از شهد افکاری که در دل‌ها کاشته بود، شیرین گردد». ^۱ میرزا محمدخان قزوینی - که محضر شیخ را دریافته بود ^۲ - او را عاملی «برای بیداری گروه بزرگی از اجتماع» که «قهرمان آزادی ایران شدند»، خوانده، و نوشته است: «بسیاری از مشروطه-خواهان نامی کنونی، از مریدان او به‌شمارند». ^۳ سید حسن تقی‌زاده - که خود در مشروطیت دستی داشت - نوشته است که شیخ، مانند سیدجمال‌الدین، «خیلی آزادی‌طلب» بود، و «اثر بزرگی در ایران» داشت. ^۴ صادق رضازاده شفق نیز - که از مشروطه‌خواهان بود - نام شیخ را در میان زمینه‌سازان نهضت مشروطه‌خواهی آورده است. ^۵

گفتارهای بالا که از آگاهانی مطلع آورده شده است، از جایگاه مهم شیخ هادی نجم‌آبادی در زمینه‌سازی جنبش مشروطیت ایران حکایت دارد. با نگاهی به متون تاریخی، شماری از آن فعالانی را می‌توان یافت که در نگاه آگاهان یادشده، «روشنفکران دوره ناصری»، «مشروطه-خواهان نامی»، و «قهرمانان آزادی ایران» بودند، و در میان «مریدان» شیخ هادی نجم‌آبادی جای داشتند. برخی از ایشان به قرار زیرند:

میرزا علی‌خان امین‌الدوله

امین‌الدوله از دولتمردان عصر ناصری بود که در دوران سلطنت مظفرالدین‌شاه به صدارت رسید. وی را از رجال اصلاح‌طلب ایران خوانده‌اند. او، مانند شیخ هادی نجم‌آبادی، پیش از انقلاب مشروطیت در گذشت؛ اما آنچه را که از خود باقی گذاشت، بخشی از مقدمات مشروطیت می‌توان به شمار آورد. در زمان زمامداری امین‌الدوله، نهضت فرهنگی مدرسه‌های جدید آغاز شد و آزادی مطبوعات فراهم گشت. ^۶ مجدالاسلام کرمانی - که از مشروطه-خواهان بود - این‌گونه کارهای اصلاحی او را مقدمه‌ای مهم بر جنبش مشروطیت خوانده

۱ مهدی ملک‌زاده (۱۳۶۲)، *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*، ج ۱، تهران: انتشارات علمی، صص ۱۷۰ و ۱۷۱.

۲ محمد قزوینی (۱۳۳۲)، *بیست‌مقاله قزوینی*، به کوشش ابراهیم پورداود، ج ۱، تهران: انتشارات ابن‌سینا، صص ۸ و ۹.

۳ ادوارد براون (۱۳۳۸)، *انقلاب ایران*، ترجمه و حواشی به قلم احمد پژوه، تهران: انتشارات کانون معرفت، ص ۴۰۰.

۴ سید حسن تقی‌زاده (۱۳۷۲)، *زندگی طوفانی*، به کوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات علمی، ص ۱۱۳.

۵ صادق رضازاده شفق (۱۳۳۴)، *خاطرات مجلس و دموکراسی چیست*، تهران: انتشارات کیهان، ص ۱۴۲.

۶ برای آگاهی از تکاپوهای امین‌الدوله در دوره زمامداری، نک: ناظم‌الاسلام کرمانی، همان، مقدمه، صص ۱۵۵ - ۱۵۹.

است.^۱

امین‌الدوله را از ارادتمندان شیخ هادی نجم‌آبادی یاد کرده‌اند. حاج میرزا یحیی دولت‌آبادی - که هم با شیخ و هم با امین‌الدوله دوستی نزدیک داشت - او را از «همفکران» شیخ خوانده، و نوشته است که شیخ «نسبت به او سمت پیشوایی» داشت.^۲ یکی دیگر از شاگردان شیخ نیز درباره ارادت امین‌الدوله به شیخ نوشته که او «عمری معتقد و مفتون بزرگواری و جلالت قدر آن عالم درست‌کردار مانده» بود.^۳ ناظم‌الاسلام کرمانی، «ارتباط کامل و دوستی» امین‌الدوله را با کسانی چون سید جمال‌الدین، شیخ هادی نجم‌آبادی، و سید محمد طباطبایی، «معرف خوبی» برای «سلیقه و خیالات» او دانسته است.^۴ ارادت امین‌الدوله به شیخ هادی نجم‌آبادی که از دید روحانیان مخالف شیخ پنهان نبود، سرانجام به یکی از اسباب مخالفت ایشان با او برای خلعش از صدارت تبدیل گشت.^۵ روایت است که امین‌الدوله به مناسبت وفات شیخ، در پاسخ تسلیت یکی از شاگردان او، خود و دیگر ارادتمندان شیخ را «یتیم» خواند و او را «آفتابی حیات‌بخش» یاد کرد.^۶

سید محمد طباطبایی

نقشی که سید محمد طباطبایی در جنبش مشروطیت ایران داشت، بر هیچ کس پوشیده نیست. وی، یکی از دو رهبر روحانی مشروطه در تهران بود. ناظم‌الاسلام کرمانی، در شرح زندگانی طباطبایی، به «کسب اخلاق از مرحوم حاج شیخ هادی نجم‌آبادی» اشاره کرده است.^۷ با این حال، ارتباط طباطبایی و شیخ تا پایان حیات او ادامه نیافت. به‌نوشته قزوینی، زمانی که شیخ از سوی پدر طباطبایی (سید صادق طباطبایی) - که از مجتهدان بزرگ تهران بود - تکفیر شد،

۱ احمد مجدالاسلام کرمانی (بی تا)، *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*، ج ۱: سفرنامه کلات، اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان، صص ۹۳ و ۹۴.

۲ دولت‌آبادی، همان، ج ۱، ص ۱۸۵.

۳ شیخ هادی نجم‌آبادی (۱۳۱۲)، *تحریر العقلاء*، به کوشش مرتضی نجم‌آبادی، تهران: انتشارات ارمغان، مقدمه ابوالحسن خان فروغی، صص کج و کد.

۴ ناظم‌الاسلام کرمانی، همان، مقدمه، ص ۱۵۹.

۵ دولت‌آبادی، همان، ج ۱، ص ۲۰۷.

۶ شمس‌الدین رشدیه (۱۳۶۲)، *سوانح عمر*، تهران: نشر تاریخ ایران، ص ۶۲. مخاطب امین‌الدوله، میرزا حسن رشدیه بود. درس‌آموختگی و ارادت رشدیه نسبت به شیخ هادی نجم‌آبادی، در همین پژوهش مورد اشاره قرار گرفته است.

۷ ناظم‌الاسلام کرمانی، همان، مقدمه، ص ۶۲.

سید محمد، «عقاید او را رد کرد».^۱

با وجود قطع ارتباط طباطبایی با شیخ هادی نجم‌آبادی، نوع تکاپوهای طباطبایی پس از این تاریخ، و نیز دوستی او با همفکران شیخ، نشان از آن دارد که وی، دست کم، برخی از آموزه‌های شیخ را به فراموشی نسپرده بود. البته باید دانست که طباطبایی با کسانی چون سید جمال‌الدین اسدآبادی نیز ارتباط داشت و از ایشان نیز اثر گرفته بود. حمایت او از کسانی مانند میرزا نصرالله‌ملک‌المتکلمین و سید جمال‌الدین واعظ اصفهانی که مورد خشم برخی روحانیان تهران بودند،^۲ بیانگر این واقعیت است.

میرزا نصرالله‌ملک‌المتکلمین

ملک‌المتکلمین در شمار یکی از اصلی‌ترین واعظان مشروطه‌خواه شناخته شده است. او یکی از مدیران انجمن باغ میرزا سلیمان خان میکده بود. آن‌گونه که فرزندش، مهدی ملک‌زاده، به تفصیل آورده است، این انجمن گروهی از آزادی‌خواهان را شامل می‌شد که در سال ۱۳۲۲ هـ.ق گرد هم آمدند و تکاپوهای خود را منظم و جهت‌دار کردند، تا بتوانند برای دستیابی به هدف‌های آزادی‌خواهانه بهتر بکوشند. در میان ایشان نخبگانی چون شیخ محمدمهدی شریف کاشانی، حاج میرزا یحیی دولت‌آبادی، سید جمال‌الدین واعظ، سید اسدالله خرقانی، ابوالحسن میرزا شیخ‌الرئیس، میرزا حسن رشیدی و کسان دیگر حضور داشتند. براساس شرح تفصیلی ملک‌زاده، برخی اعضای این انجمن در تکوین اعتراض برضد حکومت عین‌الدوله نقشی جدی ایفا کردند. در میان ایشان، ملک‌المتکلمین با ایجاد ارتباط با ابوالفتح میرزا سالارالدوله (فرزند مظفرالدین‌شاه و حاکم مناطق غربی ایران)، توانست کمک‌های مالی بسیار مهمی برای مخالفان دولت فراهم کند. نطق‌های بسیار تند وی برضد محمدعلی‌شاه نیز در حرکت مشروطه‌خواهی اثر زیاد داشت.^۳ برخی محققان، ملک‌المتکلمین را از اصحاب شیخ هادی نجم‌آبادی دانسته و به نقش کسانی چون شیخ، سید جمال‌الدین اسدآبادی و سید محمد

۱ براون، همان، ص ۴۰۰.

۲ برای اطلاع از همراهی طباطبایی با سید جمال‌الدین، نک: ناظم‌الاسلام کرمانی، مقدمه، ص ۸۲ برای آگاهی از حمایت‌های طباطبایی از ملک‌المتکلمین، نک: مهدی ملک‌زاده (۱۳۲۵)، *زندگانی ملک‌المتکلمین*، تهران: [بی‌نا]، صص ۱۱۰، ۱۱۱ و ۱۵۹. برای بررسی حمایت طباطبایی از سید جمال‌الدین واعظ، نک: ملک‌زاده (۱۳۶۲)، ج ۲، صص ۲۶۸ و ۲۶۹. ۳ ملک‌زاده در کتاب خود، درباره انجمن باغ میکده و نقش آن در تکوین حرکت مشروطه‌خواهی، و نیز ارتباط ملک‌المتکلمین با سالارالدوله، آگاهی‌های مهمی به دست داده است (نک. ملک‌زاده (۱۳۶۲)، ج ۲، صص ۲۴۵ - ۳۰۰).

طباطبایی در افزایش تمایلات آزادی خواهی او اشاره کرده‌اند.^۱

حاج میرزا یحیی دولت‌آبادی

حاج میرزا یحیی دولت‌آبادی نیز نقشی مهم در تکاپوهای مشروطه خواهی داشت. وی، از اعضای اصلی انجمن باغ میکده بود. اهمیت نقش دولت‌آبادی در مقدمات حرکت مشروطه - خواهی، با آگاهی از تلاش موفقیت آمیز وی در رساندن درخواست مخالفان به مظفرالدین شاه، با کمک خواستن از سفیر عثمانی، دانسته می‌شود. این حرکت که با عبور از سد بزرگی چون عین‌الدوله صدر اعظم صورت گرفت، در نهایت، به صادر شدن دستخط عدالت‌خانه از سوی مظفرالدین شاه، انجامید.^۲ در زمان آغاز دوران معروف به «استبداد صغیر»، محمدعلی شاه به دنبال دولت‌آبادی بود، اما سرانجام با وساطت سفارت انگلستان، به دولت‌آبادی امان داد، و او نیز ایران را ترک کرد.^۳

دولت‌آبادی در بخش مربوط به خاطرات دوران جوانی خود، شیخ هادی نجم‌آبادی را «شیخ معظم» و در زمره «بیداران عصر» یاد کرده است. او نوشته است که به سبب کم‌سالی نمی‌توانست در مجالس شیخ حاضر شود. اما «اخبار او را به وسیله دوستان و تربیت یافتگانش» می‌شنید.^۴ با این حال، دولت‌آبادی در سال‌های بعد با شیخ ارتباط یافت. در برهه‌ای از تکاپوهای سید جمال‌الدین اسدآبادی در برابر حکومت ناصری، برخی دوستان او چون امین‌الدوله، شیخ هادی نجم‌آبادی، حاج میرزا هادی دولت‌آبادی (پدر یحیی دولت‌آبادی)، حاج سیاح، میرزا رضا کرمانی و دیگران، هدف‌های او را پی می‌گرفتند.^۵ دولت‌آبادی نیز به آن حرکت پیوست.^۶ وی همچنین، در سال‌هایی که برای گسترش مدرسه‌های جدید در تکاپو بود، از راهنمایی‌های شیخ بهره می‌برد.^۷ او در خاطرات مربوط به همان سال‌ها، شیخ را در جرگه «روحانیان وارسته از دنیا» و دارای «افکار عالی» خوانده است.^۸

۱ ابراهیم صفایی (۱۳۶۲)، رهبران مشروطه، ج ۱، تهران: انتشارات جاویدان، ص ۳۵۶.

۲ دولت‌آبادی، همان، ج ۲، صص ۱۸ تا ۳۳؛ ملک‌زاده (۱۳۶۲)، ج ۲، صص ۳۰۰ - ۳۰۲.

۳ دولت‌آبادی، همان، ج ۲، صص ۳۷۸، ۳۸۴ و ۳۸۵.

۴ دولت‌آبادی، همان، ج ۱، صص ۵۸ و ۵۹.

۵ دولت‌آبادی، همان، ج ۱، صص ۱۲۳ - ۱۲۵.

۶ همان، ج ۱، ص ۱۲۷.

۷ همان، ج ۱، ص ۲۴۸.

۸ همان، ج ۱، صص ۱۸۵، ۲۰۷، و ۲۴۸.

سید اسدالله خرقانی

سید اسدالله خرقانی نیز یکی از فعالان حرکت مشروطه‌خواهی به شمار می‌رود. وی که یکی از اعضای هیئت مدیره انجمن باغ میکده بود،^۱ از سوی آن گروه به نجف رفت^۲ و در کنار آخوند ملا محمد کاظم خراسانی (بزرگ‌ترین مرجع تقلید مشروطه‌خواه) قرار گرفت.^۳ خرقانی در نجف فعالیت‌های زیادی داشت. ملک‌زاده وی را در رأس «مجمع طلاب روشنفکر نجف» یاد کرده و به تکاپوهای فرهنگی و سیاسی آن گروه اشاره کرده است.^۴ بنابر گفته برخی آگاهان، خرقانی، واسطه رساندن احکام آخوند خراسانی به ایران بوده است.^۵ او «در محضر شیخ هادی، از طلاب فاضل و از خواص» شمرده می‌شد.^۶

میرزا جهانگیرخان شیرازی

نام این تکاپوگر مشروطه‌خواه، به سبب مدیریت بر روزنامه نامدار *صور اسرافیل* و نیز کشته شدنش به دستور محمدعلی شاه، بسیار شناخته شده است. میرزا جهانگیرخان نیز از اعضای انجمن باغ میکده بود^۷ و توانست مانند دیگر اعضای آن گروه، در مقدمات مشروطیت ایران نقش آفرینی کند. درباره او نوشته‌اند که «از مریدان مخصوص شیخ هادی معروف نجم‌آبادی بود».^۸

حاج محمدعلی سیاح محلاتی

حاج سیاح نیز در حوادث مشروطیت، همچون برخی رویدادهای پیش از آن، نقش آفرین بوده

۱ ملک‌زاده (۱۳۶۲)، همان، ج ۲، ص ۲۴۳.

۲ همان، ج ۲، ص ۲۴۵.

۳ ناظم الاسلام کرمانی، نوشته است: خرقانی، در آن زمان، «در اداره آقای خراسانی و از بزرگان» بوده است (ناظم الاسلام کرمانی، همان، مقدمه، ص ۷۹).

۴ ملک‌زاده، همان، ج ۲، صص ۲۰۷ و ۳۷۵.

۵ قهرمان میرزا عین‌السلطنه (۱۳۷۷)، *روزنامه خاطرات عین‌السلطنه*، به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار، ج ۴، تهران: انتشارات اساطیر، صص ۲۷۴۶ و ۲۷۴۷. شخصی که این موضوع را برای عین‌السلطنه گفته، جلال‌الممالک بوده است. اگر این شخص، همان ایرج‌میرزا جلال‌الممالک باشد، باید گفتار او را با یقین کامل پذیرفت. زیرا ایرج‌میرزا نیز، مانند خرقانی، از اعضای انجمن باغ میکده بود (ملک‌زاده، همان، ج ۲، ص ۲۳۹).

۶ دولت‌آبادی، همان، ج ۱، صص ۵۹ و ۶۰.

۷ ملک‌زاده، همان، ج ۲، ص ۲۳۹.

۸ سید ابوالحسن علوی (۱۳۸۵)، *رجال مشروطیت*، به کوشش حبیب یغمائی، بازخوانی و تجدید چاپ به کوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات اساطیر، ص ۴۲.

است. وی، مانند شماری دیگر از دوستان و شاگردان شیخ، در میان اعضای انجمن باغ میکرده جای داشت.^۱ حاج سیاح در اثنای حرکت مشروطه‌خواهی نیز فعال بود و آگاهی‌های مهمی از آن رویداد به‌دست داده است.^۲ او نخستین‌بار در مجلسی که شیخ هادی نجم‌آبادی و سید محمد طباطبایی در آن حضور داشتند، با شیخ آشنا شد.^۳ این آشنایی، به «مراوده»^۴ با شیخ و «علاقه قلبی» نسبت به آن «شخص محترم»^۵ انجامید.

میرزا محمد ناظم‌الاسلام کرمانی

ناظم‌الاسلام کرمانی، نگارنده کتاب مشهور تاریخ بیداری ایرانیان است. وی در کرمان از محضر تکاپوگران ضداستبدادی چون میرزا آقاخان کرمانی بهره برد.^۶ همچنین، «پیروی از اساتید همشهری خود، امثال میرزا آقاخان و میرزا احمد مشرف کرمانی و شیخ احمد روحی» در راه «قانون‌خواهی» گام نهاد.^۷ ناظم‌الاسلام به آموزش از محضر شیخ هادی نجم‌آبادی اشاره کرده و اظهار می‌دارد که از او «فوائد کلی» برده است.^۸

میرزا علی اکبرخان دهخدا

دهخدا نیز از دست‌پروردگان شیخ هادی نجم‌آبادی محسوب می‌شود که در جنبش مشروطیت نقشی مهم ایفا کرد. وی با نگارش مقاله‌های تند در روزنامه صوراسرافیل، در زمره مشروطه‌خواهان قرار گرفت. به‌همین سبب بود که او نیز مورد غضب محمدعلی‌شاه واقع شد، و اگر کمک سفارت انگلستان در امان گرفتن برای او نبود، سرنوشتی چون همکارش، میرزا

۱ ملک‌زاده، همان، ج ۲، ص ۲۳۹.

۲ به‌عنوان نمونه، وی در خاطرات خود، نکات مهمی درباره میزان نقش انگلیسیان در اعتراض‌های مقدماتی مشروطیت آورده است. همچنین، درباره تکاپوهای مشروطه‌خواهان نجف در واردساختن آخوند خراسانی و دیگر مراجع تقلید مشروطه‌خواه به آن حرکت اشارات درخور توجهی در بر دارد (حاج سیاح (۱۳۵۶)، خاطرات حاج سیاح، به‌کوشش حمید سیاح، به‌تصحیح سیفالله گلکار، تهران: انتشارات امیرکبیر، صص ۵۵۸-۵۵۹، ۵۷۲-۵۷۳).

۳ حاج سیاح، همان، صص ۱۰۵ و ۱۰۶.

۴ حاج سیاح، همان، ص ۳۲۸.

۵ حاج سیاح، همان، صص ۴۵۱ و ۴۵۲.

۶ ناظم‌الاسلام کرمانی، همان، مقدمه، ص ۱۱.

۷ سید محمد هاشمی کرمانی (۱۳۶۲)، شرح حال ناظم‌الاسلام کرمانی، محمد ناظم‌الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، همان، ص بیست و نه.

۸ ناظم‌الاسلام کرمانی، همان، مقدمه، ص ۱۸.

جهانگیرخان شیرازی می‌یافت.^۱ دهخدا، در بیان خاطرات خود، «تربیت عقل» خویش را به «مرحوم شیخ هادی طاب ثراه» نسبت داده، و او را همراه با دو مربی دیگر خود، «وجودی استثنایی» خوانده است.^۲

میرزا حسن رشديه

نام رشديه با مدرسه‌های جديد گره خورده است. او به «پير معارف» شهرت داشت و خود را نيز اين گونه می‌ناميد.^۳ وی که روش جديد آموزش القبا را در روسيه و عثمانی فرا گرفته بود، در ایران به ترویج آن پرداخت.^۴ رشديه، در زمان اقامت در تهران، به محفل شیخ هادی نجم‌آبادی وارد شد و در زمرهٔ مریدان او درآمد.^۵ او مانند برخی دیگر از شاگردان شیخ، در سال‌های پیش از جنبش مشروطیت نیز تکاپوهای سیاسی داشت.^۶ یکی از فعالیت‌های او، نوشتن شب‌نامه و پخش آن در تهران بود.^۷ زمانی که به سبب یکی از این تکاپوها مورد خشم حکومت قرار گرفت، با بست نشینی در منزل شیخ هادی نجم‌آبادی، از مجازات‌هایی یافت.^۸ رشديه را در سال‌های آغازین مشروطیت، در میان اعضای انجمن باغ می‌کده می‌یابیم.^۹ او ادعا کرده است با تحریک علاءالدوله موجب شد تا وی به تنبیه تاجران قند تهران بپردازد.^{۱۰} بر آگاهان تاریخ

۱ سید حسن تقی‌زاده، ضمن اشاره به آن که دهخدا را با خود به سفارت انگلستان برد، چنین نوشته است: «... اوایل شب، به زحماتی، به سفارتخانهٔ انگلیس - که خالی از اعضای سفارت بود، زیرا که در قلهک بودند - رفتیم، و ۲۵ روز در آنجا ماندیم و بعد ما را از ایران تبعید کردند (سید حسن تقی‌زاده (۱۳۳۷)، دهخدا، مقدمهٔ لغتنامهٔ دهخدا، تهران: مؤسسهٔ لغتنامهٔ دهخدا، ص ۳۹۵).

۲ علی‌اکبر دهخدا (۱۳۵۸)، مقالات دهخدا، به کوشش سید محمد دبیرسیاقی، [بی‌جا]: انتشارات علمی، ص شش.

۳ رشديه، در نامه‌ای که برای رضاخان نوشته و او را به صبر برای رسیدن به «مسندی که آرزوی همهٔ نیکخواهان است» فراخوانده، دارای امضای «پير معارف، رشديه» است. (فرهاد رستمی (۱۳۷۸)، پهلوی‌ها/خاندان پهلوی به روایت اسناد، ج ۱، تهران: مؤسسهٔ مطالعات تاریخ معاصر ایران، ص ۱۲۹، سند شمارهٔ ۲۹).

۴ علی‌ظهيرالدوله (۱۳۶۷)، خاطرات و اسناد ظهيرالدوله، به کوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات زرین، ص ۶۳.

۵ فرزند رشديه، شیخ را «حامی تربیت جديد، و از هواخواهان و کمک‌فرمایان خاص رشديه» یاد کرده است (شمس‌الدین - رشديه (۱۳۶۳)، سوانح عمر، تهران: نشر تاریخ ایران، ص ۴۶). وی، در برخی دیگر از بخش‌های کتاب خود نیز دربارهٔ حمایت‌های شیخ از رشديه، و نیز شدت علاقهٔ رشديه به او مطالبی آورده است (رشديه، همان، صص ۴۸، ۴۹، ۵۳، ۶۱، ۶۳ و ۶۶).

۶ مجدالاسلام کرمانی، همان، ص ۹۷.

۷ همان، صص ۱۴۸ و ۱۴۹.

۸ ملک‌زاده، همان، ج ۱، ص ۱۲۸.

۹ همان، ج ۲، ص ۲۳۹.

۱۰ ملک‌زاده (۱۳۲۵)، ص ۱۶۵. شیخ محمدمهدی شریف کاشانی که خود از اعضای برجستهٔ انجمن باغ می‌کده

پوشیده نیست که یکی از اسباب آشکار شدن نارضایتی نهفته مردم از حکومت، که به تأسیس عدالتخانه انجامید، همان حرکت علاءالدوله بوده است.

شیخ مهدی نجم آبادی

شیخ مهدی نجم آبادی پسر دوم شیخ هادی نجم آبادی بود. زمانی که شمار زیادی از مخالفان حکومت در سفارت انگلستان بست نشسته بودند، شیخ مهدی یکی از کسانی بود که ایشان پشت سرشان نماز می خواندند.^۱ او پس از بازگشایی مجلس شورای ملی، به نمایندگی برگزیده شد.^۲

میرزا محسن نجم آبادی

میرزا محسن، فرزند شیخ محمدتقی، فرزند شیخ هادی نجم آبادی است. قزوینی وی را از «سران مشروطه خواهان» خوانده است.^۳ به روایت تقی زاده - که با میرزا محسن دوستی و همکاری داشت - یکی از کارهای او، نجات دادن جان سید محمدرضا مساوات (فعال مشروطه خواه مشهور) بود.^۴

سید حسن تهرانی (صاحب الزمانی)

سید حسن تهرانی هم از کسانی بود که «تحت نظر مرحوم حاج شیخ هادی نجم آبادی، تربیت شده» بودند.^۵ زمانی که میرزا رضا کرمانی در شهری بود، سید حسن و میرزا احمد کرمانی - که او نیز از مریدان شیخ بود -^۶ با وی دیدار کردند، و پس از آن، تهران را ترک گفتند. آنان، پس از قتل ناصرالدین شاه، در همدان شورشی برپا کردند، اما در همان مرحله نخست، دستگیر

بود، کار رشديه را با تفصيل شرح داده است (محمد مهدی شریف کاشانی (۱۳۶۲)، *واقعات اتفاقيه در روزگار*، به کوشش منصوره اتحاديه و سيروس سعدوندیان، ج ۱، تهران: نشر تاريخ ايران، ص ۲۸).

۱ تقی زاده (۱۳۷۲)، صص ۱۱۲ و ۱۱۳.

۲ عين السلطنه، همان، صص ۲۸۲۷ و ۲۸۲۸.

۳ براون، همان، ص ۴۰۱.

۴ تقی زاده، همان، ص ۱۱۳.

۵ محمدعلی معلم حبيب آبادی (۱۳۸۱)، *مکالم الآثار در احوال رجال قرن ۱۳ و ۱۴ هجری*، تصحيح و تحقيق و تکميل از سید محمدعلی روضائی، ج ۸، اصفهان: انتشارات مانا، ص ۲۸۸۲.

۶ براون، همان، ص ۴۰۰.

و به تهران گسیل شدند. شیخ هادی نجم‌آبادی در مقام شفاعت برآمد، اما مظفرالدین‌شاه تنها آزادی سید حسن را پذیرفت.^۱ یکی از کارهای مهم سید حسن در آستانه جنبش مشروطیت، نجات جان سید عبدالله بهبهانی در بلوایی بود که میرزا ابوالقاسم امام جمعه بر ضد سید جمال-الدین واعظ برپا کرد.^۲ سید حسن یکبار نیز از علاءالدوله کتک مفصلی خورد. زیرا حاکم تهران وی را یکی از کسانی می‌دانست که در مخالفت با حکومت نقش جدی داشته است.^۳

شیخ عبدالعلی بیدگلی کاشانی

این شخص که از شاگردان شیخ هادی نجم‌آبادی بود، رساله‌ای هم با نام «هنایش خرد»، در شرح ویژگی‌های استاد خود، نوشته است. وی در این کتاب بیشتر به بیان مکارم اخلاقی شیخ و سیره اجتماعی او پرداخته است. آن گونه که از این رساله برمی‌آید، بیدگلی از شاگردان نزدیک شیخ بوده و از خاصان او محسوب می‌شده است.^۴ این شخص نیز چون برخی دیگر از شاگردان شیخ، در سال‌های پیش از مشروطیت به تکاپوهای سیاسی مشغول بود. او در سال ۱۳۱۸هـ ق به سبب دست‌داشتن در توطئه برضد حکومت میرزا علی‌اصغر خان امین‌السلطان و وام‌گیری او از روسیه، به زندان افتاد.^۵

بیدگلی که در شمار مشروطه‌خواهان قرار داشت، پس از حمله سپاهیان محمدعلی‌شاه به مجلس، از تهران گریخت و به رشت رفت. اما در آنجا دستگیر شد و پس از چوب‌خوردن، مدتی به زندان افتاد. پس از آن، به بادکوبه رفت. آن زمان شهرت یافته بود که حکومت روسیه تصمیم دارد به شاه ایران وام دهد. مشروطه‌خواهان از قدرت گرفتن شاه بیم داشتند. زیرا انجمن ایرانیان بادکوبه، بیدگلی را که ظاهری علمایی داشت و از فضل نیز بی‌بهره نبود، با نام مستعار «میرزا علی»، به روسیه فرستاد. عنوان ساختگی او، «نماینده‌ی عالمان روحانی نجف» بود تا

۱ ناظم‌الاسلام کرمانی، همان، مقدمه، صص ۱۱۰ و ۱۱۱. براساس روایت ناظم‌الاسلام، در آن حرکت از «جمهوری‌خواهی» نیز صحبت به‌میان آمده بود. میرزا محمدخان قزوینی هم نوشته است، سید حسن در آن حرکت، دعوی مهدویت داشت و به‌همین سبب، به «صاحب‌الزمانی» مشهور شد (محمد قزوینی (۱۳۲۵)، *وفیات معاصرین، مجله یادگار*، ش ۴، صص ۱۸ و ۱۹).

۲ ملک‌زاده، همان، ج ۲، ص ۲۶۷.

۳ ناظم‌الاسلام کرمانی، همان، ج ۲، ص ۳۶۳.

۴ زیرا بیدگلی درباره شیخ، نوشته است: «حضرت آقا لهجه خصوصی داشتند با خواص، و لهجه عمومی داشتند با عوام.» (شیخ عبدالعلی بیدگلی (۱۳۲۲ق)، *هنایش خرد*، تهران: [بی‌نا]، ص ۱۷).

۵ رائین، همان، ج ۲، صص ۳۰۳ و ۳۰۴.

روس‌ها را از آن تصمیم بر حذر دارد. وی به روسیه رفت و توانست کارهایی صورت دهد. اما پس از مدتی، بی‌اصل بودن نمایندگی‌اش بر روس‌ها آشکار شد و به فرارش واداشت.^۱

محمدحسین فروغی (ذکاءالملک و محمدعلی فروغی (ذکاءالملک دوم)

محمدحسین فروغی از ارادتمندان سیدجمال‌الدین اسدآبادی بود که با نظر او درباره اهمیت روزنامه‌نگاری، روزنامه تربیت را بنیان نهاد.^۲ وی، همچنین در میان مریدان شیخ هادی نجم-آبادی جای داشت. فروغی در خبری که درباره طبع کتاب *هنایش خرد آورده*، شیخ را عالمی عامل یاد کرده و تنها «ملایک آسمان» را توانای بر توصیف او دانسته است.^۳ نام محمدحسین فروغی در بین اعضای انجمن باغ میکده ثبت شده است.^۴ این عضویت، نشان از آن دارد که او در نگاه کسانی چون ملک‌المتکلمین، سید جمال‌الدین واعظ و حاج میرزا یحیی دولت‌آبادی، در زمره مخالفان حکومت قرار داشته است.

محمدعلی فروغی نیز در بین شاگردان شیخ جای داشت و از سخنانش بهره می‌برد.^۵ با تشکیل مجلس شورای ملی، وی امور اداری و دبیرخانه مجلس را برعهده گرفت و این مسئولیت را تا زمان به توپ بسته شدن مجلس ادامه داد. او پس از افتتاح دوباره مجلس، به نمایندگی برگزیده شد و چند ماه بعد به ریاست مجلس رسید.^۶ فروغی، در دوره مشروطیت در شمار اعضای لژیون ایرانیان قرار داشت.^۷ اعضای این نهاد در حرکت‌های مشروطه-

۱ براون، همان، ص ۲۳۰، پ ۱، گفتار مترجم. کسروی نیز در این باره، شرحی مشابه آورده است (احمد کسروی (۱۳۵۷)، تاریخ مشروطه ایران، ج ۲، تهران: انتشارات امیرکبیر، صص ۸۳۲ و ۸۳۳).

۲ سید محمد محیط طباطبایی این موضوع را از محمدعلی فروغی شنیده و بازگفته است (سید محمد محیط طباطبایی (۱۳۷۹)، سید جمال‌الدین اسدآبادی و بیداری مشرق‌زمین، تهران: انتشارات کلبه شروق، ص ۱۴۳).

۳ محمدحسین فروغی (۱۳۷۷)، دوره روزنامه تربیت، ج ۲، تهران: انتشارات کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران و وزارت آموزش و پرورش، ص ۱۵۹۹.

۴ ملک‌زاده (۱۳۶۲)، ج ۲، ص ۲۳۹.

۵ نورالدین چهاردهی، که در زمینه ارباب مذاهب آگاهی‌هایی بی‌واسطه داشت، در برخی از آثار خود، محمدعلی فروغی و برادرش، ابوالحسن خان، را در شمار شاگردان شیخ هادی نجم‌آبادی آورده است (نورالدین چهاردهی (۱۳۶۳) باب کیست و سخن او چیست؟، تهران: انتشارات فتحی، صص ۹۸؛ نورالدین چهاردهی (۱۳۶۳)، وهابیت و ریشه‌های آن، تهران: انتشارات فتحی، صص ۱۱۶ و ۱۱۷).

۶ حمیدرضا شاه‌آبادی (۱۳۸۰)، تاریخ آغازین فراماسونری در ایران، ج ۲، تهران: انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، صص ۴۰۶ و ۴۰۷.

۷ اسناد پرونده فروغی در آن لژیون، در مجموعه‌ای از مدارک مربوط به آن نهاد آمده است (نک: شاه‌آبادی، همان، پرونده شماره ۳۵).

خواهی سهمی مهم داشتند.^۱

میرزا ابوالحسن خان فروغی

ابوالحسن خان فروغی نیز، مانند پدر و برادرش، در زمرهٔ مریدان شیخ هادی نجم‌آبادی جای داشت. مقدمه‌ای که وی بر کتاب *تحریر العقلاء* شیخ نگاشته است، از عمق ارادتش به او حکایت می‌کند. فروغی دربارهٔ شیخ نوشته است: «وجودش برهان الحق زمان خویش و از همه بیش و پیش بوده» است.^۲ همچنین، مطالب درج‌شده در *تحریر العقلاء* را «تحریری قلیل، از بیانات متین و وزین» شیخ دانسته است.^۳ ابوالحسن خان نیز مانند برادر خود در لژ بیداری ایرانیان حاضر می‌شد^۴ و مانند دیگر اعضای آن، به تکاپوهای مشروطه‌خواهانه می‌پرداخت.^۵ از وی آثاری چون *تجدد و ملیت*، *سرمایهٔ سعادت یا علم و آزادی*، در مکتون و غیره به طبع رسیده است.

شیخ مرتضی نجم‌آبادی و آغابیکم نجم‌آبادی

شیخ مرتضی نجم‌آبادی، نوهٔ عموی شیخ هادی نجم‌آبادی بود که نسبت دامادی او را نیز یافته بود. او کسی است که دست‌نوشته‌های شیخ را نظم و ترتیب داد و از آن‌ها کتابی با نام *تحریر العقلاء* فراهم نمود. این کتاب، نخستین بار در سال ۱۳۱۲ هـ ش در تهران به طبع رسید. نام شیخ مرتضی نجم‌آبادی در شمار اعضای لژ بیداری ایرانیان آمده است. البته باید دانست که ورود او به آن نهاد در سال ۱۳۳۰ هـ ق، و پس از پیروزی نهایی مشروطیت در ایران صورت گرفت.^۶ اما با توجه به نسبت محکم او با شیخ هادی نجم‌آبادی و نیز دوستی‌اش با مشروطه‌خواهان، به

۱ رائین، همان، ج ۲، صص ۱۴۸ - ۲۱۸.

۲ نجم‌آبادی، همان، مقدمهٔ ابوالحسن خان فروغی، صص یو و یز.

۳ همان، مقدمهٔ ابوالحسن خان فروغی، ص یو.

۴ در مجموعهٔ اسناد به‌دست‌آمده از لژ بیداری ایرانیان، پروندهٔ میرزا ابوالحسن خان فروغی نیز موجود است (یحیی آریابخش (۱۳۸۴)، *تاریخ آغازین فراماسونری در ایران*، ج ۳، تهران: انتشارات سورهٔ مهر، پروندهٔ شمارهٔ ۶۳).

۵ سید محمدصادق طباطبایی (فرزند سید محمد طباطبایی) که خود از اعضای لژ بیداری ایرانیان بود، در گفتگو با اسماعیل رائین از مخالفت فروغی با به سلطنت‌رساندن مسعودمیرزا ظل‌السلطان سخن گفته است. این جلسهٔ مشورت با حضور اعضای لژ بیداری ایرانیان برگزار شده بود (رائین، همان، ج ۲، ص ۳۳۹).

۶ در مجموعهٔ اسناد به‌دست‌آمده از لژ بیداری ایرانیان، پروندهٔ آقا مرتضی نجم‌آبادی نیز موجود است (یحیی آریابخش (۱۳۸۷)، *تاریخ آغازین فراماسونری در ایران*، ج ۴، تهران: انتشارات سورهٔ مهر، پروندهٔ شمارهٔ ۹۷).

احتمال قریب به یقین، می‌توان گفت که او نیز در سال‌های مشروطیت تکاپوهایی داشته است. همسر وی، آغاییگم نجم‌آبادی نام داشت.^۱ وی مدیر «انجمن مخدرات وطن» بود. برخی از اعضای این انجمن با مشروطه‌خواهان نامی نسبت نزدیکی داشتند. به‌عنوان نمونه، سکینه کنداشلو (همسر دوم شیخ هادی نجم‌آبادی و مادر آغاییگم)، صدیقه دولت‌آبادی (خواهر حاج میرزا یحیی دولت‌آبادی، و دبیر انجمن مخدرات وطن) همسر ملک‌المتکلمین، همسر میرزا سلیمان‌خان میکده، و همسر بیرم‌خان ارمنی را می‌توان یاد کرد.^۲ آغاییگم در زمینه «حقوق زنان» و «تحریم کالا و وام خارجی» فعالیت داشت.^۳

شیخ علی قاضی قزوینی

قاضی قزوینی را نیز در عداد کسانی آورده‌اند که در محافل شیخ هادی نجم‌آبادی شرکت می‌کرده است.^۴ ادوارد براون او را یکی از شاگردان برگزیده سیدجمال‌الدین اسدآبادی دانسته است.^۵ این ویژگی حاکی از آن است که وی در سال‌های پیش از مشروطیت نیز تکاپوهای سیاسی داشته است. قاضی در سال‌های مقدماتی مشروطیت، از اعضای انجمن باغ میکده بود.^۶ به‌نوشته یکی از آگاهان، او یکی از کسانی بود که مورد خشم و غضب محمدعلی‌شاه قرار داشتند.^۷ قاضی قزوینی در میان زندانیان باغ شاه بود و به روایت ملک‌زاده در آنجا کشته شد.^۸

میرزا علی اکبر ساعت‌ساز (حکیم)

- ۱ نوشته منوچهر نجم‌آبادی (د. ۱۳۹۰ ش). برای این پژوهش درباره برخی افراد خاندان نجم‌آبادی. وی فرزند میرزا محسن نجم‌آبادی بود و در آلمان اقامت داشت.
- ۲ ژانت آفاری (۱۳۸۳)، *انقلاب مشروطه ایران*، ترجمه رضا رضایی، تهران: انتشارات بیستون، صص ۲۴۵ تا ۲۴۷.
- ۳ پوران فرخ‌زاد (۱۳۸۱)، *کارنامه‌ی زنان کارای ایران از دیروز تا امروز*، تهران: انتشارات قطره، صص ۴۳ و ۴۴.
- ۴ علی اکبر ارداقی (۱۳۲۱)، *دربار شاهی*، [بی‌جا]: چاپخانه و کتابخانه مرکزی، ص ۱۹۵. علی اکبر ارداقی برادر قاضی قزوینی بود. با توجه به کتاب *دربار شاهی* که درباره قتل ناصرالدین‌شاه است، دانسته می‌شود که نویسنده در آن ماجرا دخالت داشته است. او در سال‌های بعد نیز در میان فعالان سیاسی قرار داشت و از جمله در کمیته مجازات تکاپو می‌کرد (نک: محمدجواد مرادی‌نیا (۱۳۸۴)، *کمیته مجازات و خاطرات عمادالکتاب*، تهران: انتشارات اساطیر، صص ۱۲۴ و ۲۰۷).
- ۵ براون، همان، صص ۱۳ و ۲۱۹.
- ۶ ملک‌زاده، همان، ج ۲، ص ۲۳۹.
- ۷ شرف‌الدوله (۱۳۷۷)، *روزنامه خاطرات شرف‌الدوله (ابراهیم خان کلانتری باغمیشه‌ای)*، به کوشش یحیی ذکاء، تهران: انتشارات فکر روز، ص ۲۲۶.
- ۸ ملک‌زاده، همان، ج ۲، صص ۸۰۳ و ۸۰۴.

این شخص در زمان ورود دوم سید جمال‌الدین اسدآبادی به تهران (۱۳۰۷هـ.ق)، از کسانی بود که «با مقاصد سید همراه شدند».^۱ نام وی در فهرست اعضای انجمن باغ میکده نیز آمده،^۲ و نشان از آن دارد که او تا سال ۱۳۲۲هـ.ق در میان آزادی‌خواهان بوده و تکاپو داشته است. میرزا علی‌اکبر در مجالس شیخ هادی نجم‌آبادی نیز حاضر می‌شد.^۳

میرزا محمدخان مسعود نظام

مسعود نظام یکی از صاحب‌منصبان نظامی محمدعلی‌شاه بود که تصمیمش در واگذاری غرب تهران به سپاه مشروطه‌خواهان شمال، نقشی اساسی در واژگونی سلطنت آن پادشاه ایفا نمود. عباس‌قلی‌خان آدمیت او را «بالفطره آزادی‌طلب و از تربیت‌یافتگان شیخ هادی مرحوم» که «چندی در جامع آدمیت بارداشت»، یاد کرده است.^۴

نتیجه‌گیری

با مرور تاریخ جنبش مشروطیت ایران و در نظر داشتن تکاپوهای کسان یادشده در این نوشته، روشن می‌شود که بیشتر ایشان، در حرکت مشروطه‌خواهی افرادی تأثیرگذار بوده‌اند. بستگی فکری که همه‌ایشان، به نسبتی کم یا زیاد، به شیخ هادی نجم‌آبادی داشتند، از نقش با اهمیت او در آن رویداد تاریخی نشان دارد. آشنایی با این کسان و میزان تأثیرشان در مشروطیت، مصداق‌هایی مهم برای درست دانستن توصیف‌های کلی مهدی ملک‌زاده، محمدخان قزوینی، سید حسن تقی‌زاده و صادق رضازاده شفق درباره‌ی جایگاه مهم شیخ هادی نجم‌آبادی در تکوین جنبش مشروطیت ایران است. باید دانست که درس‌آموختگان شیخ، بیش از اشاره‌شدگان این نوشته هستند. شماری از ایشان، مانند میرزا احمد کرمانی، میرزا رضا کرمانی و میرزا کریم‌خان منتظم‌الدوله، تنها در تکاپوهای پیش از مشروطیت نقش داشتند. همچنین، یقین است که این پژوهش، هنوز بر نام برخی دیگر از مشروطه‌خواهان دست‌پرورده‌ی شیخ، دست نیافته است. چرا که مضمون سخنان آگاهان یادشده، بر شمار زیاد شاگردان شیخ و جدی‌بودن نفوذشان در

۱ ناظم‌الاسلام کرمانی، همان، مقدمه، صص ۸۲ و ۸۳.

۲ ملک‌زاده، همان، ج ۲، ص ۲۳۹.

۳ ارداقی، همان، ص ۱۹۵.

۴ آدمیت، همان، ص ۳۳۳.

حرکت مشروطه‌خواهی دلالت می‌کند. با این توصیف است که شیخ هادی نجم‌آبادی را یکی از «پدران فکری انقلاب مشروطیت ایران» باید دانست. او چهار سال پیش از بروز آن حادثه تاریخ‌ساز درگذشت؛ اما با پرورش افرادی نخبه، توانست در آن رویداد سهمی مهم داشته باشد.

منابع و مآخذ

- آدمیت، فریدون (۱۳۴۰)، *فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت ایران*، تهران: انتشارات سخن.
- آریابخش، یحیی (۱۳۸۴)، *تاریخ آغازین فراماسونری در ایران*، ج ۳، تهران: انتشارات سوره مهر.
- ----- (۱۳۸۷)، *تاریخ آغازین فراماسونری در ایران*، ج ۴، تهران: انتشارات سوره مهر.
- آقاری، ژانت (۱۳۸۳)، *انقلاب مشروطه ایران*، ترجمه رضا رضایی، تهران: انتشارات بیستون.
- ارداقی، علی‌اکبر (۱۳۲۱)، *دربار شاهی*، [بی‌جا]: انتشارات چاپخانه و کتابخانه مرکزی.
- براون، ادوارد (۱۳۳۸)، *انقلاب ایران*، ترجمه و حواشی به قلم احمد پژوه، تهران: انتشارات کانون معرفت.
- بیدگلی، شیخ عبدالعلی (۱۳۲۲ ق.)، *هنایش خرد*، تهران: چاپخانه جناب آقا مرتضی.
- تقی‌زاده، سید حسن (۱۳۳۷)، *دهخدا، مقدمه لغتنامه دهخدا*، تهران: چاپخانه دولتی ایران.
- ----- (۱۳۷۲)، *زندگی طوفانی*، به کوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات علمی.
- چهاردهی، نورالدین (۱۳۶۳) *باب کیست و سخن او چیست؟*، تهران: انتشارات فتحی.
- ----- (۱۳۶۳)، *وهابیت و ریشه‌های آن*، تهران: انتشارات فتحی.
- حاج سیاح (۱۳۵۶)، *خاطرات حاج سیاح*، به کوشش حمید سیاح، به تصحیح سیف‌الله گلکار، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- دولت‌آبادی، یحیی (۱۳۶۲)، *حیات یحیی*، تهران: انتشارات فردوسی و عطار.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۵۸)، *مقالات دهخدا*، به کوشش سید محمد دبیرسیاقی، [بی‌جا]: انتشارات علمی.
- راین، اسماعیل (۱۳۵۹)، *فراموشخانه و فراماسونری در ایران*، ج ۱، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- رستمی، فرهاد (۱۳۷۸)، *پهلوی‌ها/خاندان پهلوی به روایت اسناد*، ج ۱، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- رشدیه، شمس‌الدین (۱۳۶۲)، *سوانح عمر*، تهران: نشر تاریخ ایران.
- رضازاده شفق، صادق (۱۳۳۴)، *خاطرات مجلس و دموکراسی چیست*، تهران: انتشارات کیهان.
- شاه‌آبادی، حمیدرضا (۱۳۸۰)، *تاریخ آغازین فراماسونری در ایران*، ج ۲، تهران: انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی.
- شرف‌الدوله، ابراهیم (۱۳۷۷)، *روزنامه خاطرات شرف‌الدوله (ابراهیم خان کلاتری باغمیشه‌ای)*، به کوشش یحیی ذکا، تهران: انتشارات فکر روز.

- شریف کاشانی، محمدمهدی (۱۳۶۲)، *واقعات اتفاقیه در روزگار*، به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، ج ۱، تهران: نشر تاریخ ایران.
- صفایی، ابراهیم (۱۳۶۲)، *رهبران مشروطه*، ج ۱، تهران: انتشارات جاویدان.
- صنعتی‌زاده کرمانی، عبدالحسین (۱۳۴۶)، *روزگاری که گشت*، تهران: چاپخانه تابان.
- ظهیرالدوله، علی (۱۳۶۷)، *خاطرات و اسناد ظهیرالدوله*، به کوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات زرین.
- عرفان، محمود (۱۳۲۸)، «فراماسون‌ها»، *مجله یغما*، ش ۱۱.
- علوی، سیدابوالحسن (۱۳۸۵)، *رجال مشروطیت*، به کوشش حبیب یغمائی، بازخوانی و تجدید چاپ به- کوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات اساطیر.
- عین‌السلطنه، قهرمان میرزا (۱۳۷۷)، *روزنامه خاطرات عین‌السلطنه*، به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار، ج ۴، تهران: اساطیر.
- فرخ‌زاد، پوران (۱۳۸۱)، *کارنمای زنان کارای ایران از دیروز تا امروز*، تهران: نشر قطره.
- فروغی، محمدحسین (۱۳۷۷)، *دوره روزنامه تربیت*، ج ۲، تهران: انتشارات کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران و وزارت آموزش و پرورش.
- قزوینی، محمد (۱۳۳۲)، *بیست مقاله قزوینی*، به کوشش ابراهیم پورداود، تهران: انتشارات ابن‌سینا.
- ----- (۱۳۲۵)، *وفیات معاصرین*، *مجله یادگار*، ش ۴.
- کسروی، احمد (۱۳۵۷)، *تاریخ مشروطه ایران*، ج ۲، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- مجدالاسلام کرمانی، احمد [بی‌تا]، *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*، ج ۱، سفرنامه کلات، اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
- محیط طباطبایی، سید محمد (۱۳۷۹)، *سید جمال‌الدین اسدآبادی و بیداری مشرق‌زمین*، تهران: انتشارات کلبه شروق.
- محیط مافی، هاشم (۱۳۶۳)، *مقدمت مشروطیت*، به کوشش مجید نفرشی و جواد جانفدا، تهران: انتشارات فردوسی.
- مدرسی چهاردهی، مرتضی (۱۳۸۱)، *سید جمال‌الدین و اندیشه‌های او*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- مرادی‌نیا، محمدجواد (۱۳۸۴)، *کمیته مجازات و خاطرات عمادالکتاب*، تهران: انتشارات اساطیر.
- معلم حبیب‌آبادی، محمدعلی (۱۳۸۱)، *مکارم الآثار در احوال رجال قرن‌های ۱۳ و ۱۴ هجری*، تصحیح و تحقیق و تکمیل از سید محمدعلی روضائی، ج ۸، اصفهان: انتشارات مانا.
- ملک‌زاده، مهدی (۱۳۶۲)، *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*، ج ۱، تهران: انتشارات علمی.
- ----- (۱۳۲۵)، *زندگانی ملک‌المتکلمین*، تهران: چاپخانه شرکت مطبوعات.
- ناظم‌الاسلام کرمانی، محمد (۱۳۶۲)، *تاریخ بیداری ایرانیان*، به کوشش علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، تهران: انتشارات آگاه و نوین.
- نجم‌آبادی، شیخ هادی (۱۳۱۲)، *تحریر العقلاء*، به کوشش مرتضی نجم‌آبادی، تهران: انتشارات ارمغان.
- نجم‌آبادی، میرزا محسن (۱۳۵۲)، *تقریرات آقا شیخ محسن نجم‌آبادی درباره تأسیس کمیته‌های سرّی*

مخصوصاً «بین الطلوعین»، اسماعیل رائین، حیدرخان عمواوغلی، تهران: مؤسسه تحقیقات رائین و جاویدان.

- Sullivan, Zohreh(2001), *Exiled Memories: Stories of Iranian Diaspora*, Philadelphia: Temple University Press.

